

# پیاچدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری



522A

کد کنترل

522

A

		«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.» امام خمینی (ره)	
جمهوری اسلامی ایران وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سازمان سنجش آموزش کشور		صبح جمعه ۹۷/۱۲/۳ دفترچه شماره (۱)	
<b>آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌متمرکز) - سال ۱۳۹۸</b>			
<b>رشته فقه شافعی - کد (۲۱۳۴)</b>			
مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه		تعداد سؤال: ۹۰	
عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات			
ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی - فقه - اصول	۹۰	۱
این آزمون نمره منفی دارد.		استفاده از ماشین‌حساب مجاز نیست.	
حق چاپ، تکثیر و انتشار سؤالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.			
۱۳۹۸			

# پیاچدی تست: نخستین وبسایت تخصصی آزمون دکتری

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، به منزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

اینجانب ..... با شماره داوطلبی ..... در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.

امضا:

## ■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱-۱۰)

- ۱- ﴿ كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين، و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه ... ﴾:
- ۱) مردمان ملت یگانه‌ای بودند آنگاه الله پیغامبرانی برای مژده دادن و انذار کردن مبعوث کرد، و با آنان کتاب حق را فرستاد تا داوری کند در آنچه بین خود اختلاف کرده‌اند!
  - ۲) مردم ابتدا امتی یگانه بودند و خدا پیامبرانی را مژده‌آور و اخطارکننده فرستاد، و کتابی را به حق نازل کرد تا پیامبران در آنچه مردمان اختلاف دارند حکمیت کند!
  - ۳) مردمان در آغاز ملتی واحد بودند و الله پیغامبران را برای مژده دادن و برحذر داشتن ارسال کرد، و با آنان کتابی را به حق فرستاد تا بین مردم داوری کنند در آنچه اختلاف دارند!
  - ۴) مردم امتی واحد بودند و خداوند پیامبران را مژده‌دهنده و هشداردهنده مبعوث کرد، و با آنان به حق کتاب را نازل کرد تا بین مردم در آنچه اختلاف کرده‌اند حکمیت کند!
- ۲- « أملكوا عني هذا الغلام لا يهتني، فإنتي أنفس بهذين على الموت لنلا ينقطع بهما نسل رسول الله! »:
- ۱) این جوان را بشدت نگه دارید که پشت مرا نشکند، چه مرگ این دو را دریغم آید، تا با مرگ آنها نسل رسول الله قطع نگردد!
  - ۲) این نوجوان را مانع شوید تا بر من حمله نکند، زیرا من بر مرگ این دو تن بخل می‌ورزم، تا نکند با این مرگ دودمان پیامبر خدا قطع گردد!
  - ۳) این نوجوان را دور از من نگه دارید تا مرا درهم نکوبد، چون من از مرگ این دو سخت بیمناکم، نکند مرگ آنها دودمان رسول الله را قطع کند!
  - ۴) این جوان را محکم از من دور کنید وگرنه پشت مرا خم می‌کند، چه من از مرگ این دو نفر سخت بیم دارم، که با مرگ آنها نسل رسول خداوند منقطع می‌شود!

## ۳- عین الصحیح:

- (۱) إِنَّ مَثَلَ هَذِهِ الْكُتُبِ لَا تُعَارَ مِنْ مَكْتَبَةِ الْجَامِعَةِ لِكثْرَةِ حَاجَةِ الطَّلَابِ إِلَيْهَا: چنين كتابهائی به دليل كثرت نياز دانشجويان به آنها، از كتابخانه دانشگاه امانت داده نمی‌شود!
- (۲) أَصْبَحَتْ أُمَّتُنَا أَكْثَرَ مَا تَكُونُ بِحَاجَةِ إِلَى التَّضَامِنِ وَ التَّعَاوُنِ: امت ما اکنون بیش از پیش نیازمند اعتماد متقابل و همکاری است!
- (۳) لَسْنَا فِي حَاجَةٍ إِلَى أَيِّ مِنَ الْقُوَى الْعِظْمَى لِلْحَصُولِ عَلَى الْاِكْتِفَاءِ الْذَاتِي: ما برای دستیابی به تولید ملی به هیچیک از ابرقدرتها نیاز نداریم!
- (۴) أَغْلَبْنَا بِحَاجَةِ مَسْئَةٍ إِلَى مَعْلَمٍ مَاهِرٍ نَدْرُسُ عَلَيْهِ: أغلب ما به معلمی ماهر نیاز داریم که با روش او درس بخوانیم!
- ۴- « تَوْقَهُ فَمَتَى مَا شِئْتَ تَبْلُوهُ فَكُنْ مُعَادِيَهُ أَوْ كُنْ لَهُ نَشْبًا! »:

- (۱) خود را از او حفظ کن و اگر بخواهی او را گرفتار سازی، با او لجابت کن یا با او درآویز!
- (۲) از او بهره‌یز و هرگاه قصد آزمودن وی را کنی، با او دشمنی کن و علیه مال و منال او باش!
- (۳) از او بر حذر باش و چون بخواهی او را بیازمائی، یا دشمن او باش یا مال و منالی در دستش!
- (۴) خویشتن را از او دور بدار و هر وقت اراده کنی او را مبتلی سازی، با وی یا ستیزه کن یا گلاویز شو!
- ۵- « وَ دَعِ غَمَارَ الْغُلَى لِلْمُقَدِّمِينَ عَلَى رُكُوبِهَا، وَ اقْتَنِعْ مِنْهَنْ بِالْبَلَلِ! »:

- (۱) گرد و غبار محنت را رها کن، و از دنیا به اندک نعمتی بسنده کن!
- (۲) رها کن اندوه بزرگواری را برای اقدام‌کنندگان، و تو خود به استراحت قانع باش!
- (۳) غمهای بزرگ را برای اهلهش رها کن، و خود به بلاهای کوچک در این روزگار بسنده کن!
- (۴) گردابه‌های بزرگواری را برای شجاعانی بگذار که بر آن برمی‌نشینند، و تو خود به نمی از آن قانع باش!
- ۶- « از زمانهای دور تا به امروز بسیاری از دانشمندان و ادیبان به نوشتن شرح بر این کتاب روی آورده‌اند! »:

- (۱) إِنَّ غَالِبِيَةَ الْعُلَمَاءِ وَ الْأَدْبَاءِ مِنَ الْعَهْدِ الْبَعِيدِ وَ حَتَّى هَذِهِ الْأَيَّامِ بِيَادِرُونَ بِشَرْحِ الْكِتَابِ هَذَا!
- (۲) قَدْ أَقْبَلَ كَثِيرٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْأَدْبَاءِ عَلَى وَضْعِ شَرْحٍ لِهَذَا الْكِتَابِ مِنْذُ أَمَدٍ بَعِيدٍ وَ حَتَّى يَوْمِنَا هَذَا!
- (۳) إِنَّ أَغْلَبَ الْعُلَمَاءِ وَ الْأَدْبَاءِ بَادَرُوا بِإِيْجَادِ شُرُوحٍ عَلَى هَذَا الْكِتَابِ مِنَ الْأَزْمِنَةِ الْبَعِيدَةِ حَتَّى الْيَوْمِ!
- (۴) قَدْ أَقْبَلُوا الْكَثِيرُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْأَدْبَاءِ لِكِتَابَةِ شُرُوحٍ عَلَى هَذَا الْكِتَابِ مِنْذُ زَمَنِ بَعِيدٍ حَتَّى هَذَا الْيَوْمِ!
- ۷- « عجیب اینست که زندگی ادبی در عصر بعضی دولتها و امارتها بحدی شکوفا شد که نظیر آن در هیچ دوره‌ای دیده نشده است! »:

- (۱) الْغَرِيبُ أَنَّ الْحَيَاةَ الْأَدْبِيَّةَ ازدهرت في عصر بعض الدول و الإمارات ازدهارًا لم ير نظيره في أي عصر آخر!
- (۲) مِنَ الطَّرِيفِ أَنَّ حَيَاةَ الْأَدَبِ فِي عَصْرِ بَعْضِ الدَّوَلِ وَ الْإِمَارَاتِ ازدهرت كثيرًا إلى أن لم ير نظيره في العصور الأخرى أبدًا!
- (۳) الْعَجِيبُ أَنَّ حَيَاةَ الْأَدْبَاءِ ازدهرت في بعض الدول و الإمارات ازدهارًا بحيث لم يكن للازدهار عهد هكذا!
- (۴) مِنَ الْعَجَابِ أَنَّهُ فِي عَصْرِ الدَّوَلِ وَ الْإِمَارَاتِ الْحَيَاةَ الْأَدْبِيَّةَ كَانَتْ تَزدهر ازدهارًا لم يعهده العالم!

۸- « تا قبل از آن روزها هرگز ندیده بودم که کسی از خوشحالی گریه کند! »:

(۱) لم أر قط قبل تلك الأيام أن أحدا يبكي فرحاً!

(۲) ما رأيت أبداً أحداً يتبأكي للفرح قبل تلك الأيام!

(۳) لم أشاهد أبداً أحداً في بكاء الفرح إلى تلك الأيام!

(۴) ما شاهدت قط إلا في تلك الأيام أن أحداً يبكي فرحاً!

۹- عین الأصح و الأدق في المفهوم:

(۱) ﴿ لا تَمُنُّنَ تَسْتَكْتَرُ ﴾: مَنَّتْ مِنْهُ تَابِ بِيَشْتَرِ بِخَوَاهِي!

(۲) ﴿ و إِنْ نَظَنَّاكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴾: تَوْرَا جَزْازِ گِرُوهِ دِرُوغگوویان نمی‌پنداریم!

(۳) ﴿ تَاللَّهِ إِنْ كُنْتُ لَلتُّرْدِينِ ﴾: بَهْ خِدا قِسمِ بَدُونِ شِکِ نَزْدِیکِ بُوْدِ مَرَا بَهْ هِلَاکِتِ اِفِکْنِی!

(۴) ﴿ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنْ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ﴾: دَانِسْتَنْدِ کِهْ پِناهِگَاهی از خِداوندِ جَزْا و را نِیست!

۱۰- « أريد مكاناً من كريم يصونني! ». عین الأقرب لمفهوم المصراع:

(۱) در پناه دولت او جایی می‌طلبم!

(۲) از آسیب حوادث به جوار او پناه جستم!

(۳) بخشنده با مکانتی می‌خواهم تا بتوانم به او پناه ببرم!

(۴) می‌خواهم از آسیب حوادث در جوار مأمون او محروس بمانم!

## ■ ■ عین الصحيح في التشكيل (۱۱-۱۳)

۱۱- « الأول الذي لم يكن له قبل فيكون شيء قبله، و الآخر الذي ليس له بعد فيكون شيء بعده »:

(۱) يَكُنُّ - فيكونُ - شيءٌ - قبلُهُ

(۲) قَبْلٌ - يَكُونُ - قبلُهُ - الأخرُ

(۳) له قبلٌ - قبلُهُ - الأخرُ - بعدٌ

(۴) يَكُونُ - فيكونُ - شيءٌ - بعدهُ

۱۲- « أكل الفاكهة ينقي الدم و لا سيما تفاحة تؤكل بعد الفطور، أما أكلها قبل الفطور ولا سيما الطازجة منها

فهي أكثر فائدة! »:

(۱) أَكَلُ الْفَاكِهَةِ - يَنْقِي الدَّمُ - أَمَّا أَكَلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ

(۲) يَنْقِي الدَّمُ - وَ لَا سِيَّما تَفَّاحَةً - تُؤَكَلُ بَعْدَ الْفُطُورِ

(۳) أَكَلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ - وَ لَا سِيَّما الطَّازِجَةَ مِنْهَا - أَكْثَرُ فائِدَةٌ

(۴) وَ لَا سِيَّما تَفَّاحَةً - أَمَّا أَكَلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ - وَ لَا سِيَّما الطَّازِجَةَ

۱۳- عین الصحيح:

(۱) جَاءَتْ عِنْدَنَا مُضْطَرِبَةً طِفْلاً وَ هِيَ تَبْكِي! (۲) لَمْ يَحْصُلْ عَلَيَّ الْجَائِزَةُ مَا خِلا طَالِبَةِ واحِدَةٍ!

(۳) أَتَعْلَمُ أَتِي زُرْتُهُ لَيْلَةً كُنْتُ أَنْتَ عِنْدَهُ! (۴) لَمْ يَقْرَأْ فِي هَذَا السَّبَّاقِ غَيْرَ أَرْبَعِ طَالِبَاتٍ!

## ■ عین المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصرفي (۱۴-۱۸)

- ۱۴- ﴿ و لو ترى إذ وقفوا على النار فقالوا: يا ليتنا نردُّ و لا نكذبُ بآيات ربنا﴾. عین الخطأ:
- ۱) إذ: ظرف غیر متصرف أو مفعول فيه للزمان - وقفوا: فعل ماضٍ مبني للمجهول، نائب فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة مضاف إليه
  - ۲) ترى: فعل مضارع، معتل و ناقص، و كذلك مهموز العين (حذف الهمزة واجب) - فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنت »
  - ۳) يا ليتنا: يا، حرف نداء أو تنبيه - ليت: حرف تمنّي - نردُّ: مضارع مبني للمجهول، نائب فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « نحن »
  - ۴) و لا نكذبُ: الواو حرف حالية - و الفعل مزيد ثلاثي من باب تفعيل، و منصوب بحرف الواو الحالية
- ۱۵- ﴿ نضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئاً و إن كان مثقال حبة من خردل أتينا بها، و كفى بنا حاسبين﴾. عین الخطأ:
- ۱) تظلم: فعل مضارع، متعذُّ و مبني للمجهول، نائب فاعله « نفس » - منقال: خبر مفرد لفعل « كان » الناقص و منصوب
  - ۲) أتينا: فعل ماضٍ - معتل و ناقص ( بدون إعلال) - بها: الباء: حرف للتعدية - ها: ضمير متصل مرجعه « منقال » و تأنيثه باعتبار المضاف إليه
  - ۳) نضع: مضارع - معتل و مثال (له إعلال الحذف) - الموازين: ممنوع من الصرف ( منتهى الجموع) و مفعول به - القسط: نعت من باب « زيد عدل »
  - ۴) كفى: فعل ماضٍ، معتل و ناقص و له إعلال القلب - بنا: جار و مجرور و متعلقهما فعل « كفى » - حاسبين: تمييز نسبة و مميّزه الملحوظي فعل « كفى »
- ۱۶- ﴿ إنك لست بسابقٍ أجلك و لا مرزوقٍ ما ليس لك، و اعلم أنّ الدنيا يومان يوم لك و يوم عليك!﴾. عین الخطأ:
- ۱) الدنيا: مشتق و اسم تفضيل، و اسم « أنّ » و خبره « يومان » - يوم: بدل تفصيل أو تفریع، و مرفوع بالتبعية للمبدل منه « يومان » أو على أنه خبر لمبتدأ محذوف
  - ۲) و لا مرزوق: الواو حرف عطف، و « لا » حرف زائد لتأكيد النفي، و مرزوق: اسم مفعول و شبه الفعل و نائب فاعله الضمير المستتر فيه تقديره « أنت »
  - ۳) إنك: اسمه ضمير الكاف و خبره الجملة « لست ..... » - لست: من الأفعال الناقصة و اسمه ضمير التاء البارز و خبره « سابق » شبه الفعل
  - ۴) سابق: مجرور بحرف الجرّ، سابق: جار و مجرور و متعلقهما فعل « لست » - أجل: مفعول به و منصوب لشبه الفعل « سابق »

- ۱۷- « أَقِيمُ بدار الحزم، مادام حزمها و أحر - إذا حالت - بأن أتحوّلاً! ». عَيْن الخطأ:
- (۱) مادام: من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، « ما » حرف مصدري و ظرفي تأويله « مدة دوامه ... »، اسمه « حزم » و خبره محذوف
- (۲) أحر: فعل لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مفعوله المصدر المؤول « أن أتحوّلاً » و هو مجرور في اللفظ بحرف الباء الزائدة
- (۳) أقيم: فعل مضارع، مزيد ثلاثي من باب إفعال، معتل و أجوف، إعلاله بالاسكان بنقل الحركة ثم بالقلب، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنا »
- (۴) أتحوّلاً: مضارع من باب تفعل، و المصدر المؤول متعجب منه و مجرور بحرف الباء الزائدة في اللفظ و مرفوع محلاً على أنه فاعل لفعل « أحر »
- ۱۸- « و من يتبع جاهداً كل عثرة يجدها، و لا يسلم له الدهر صاحب! ». عَيْن الصحيح:
- (۱) يجد: معتل و مثال ( له الإعلال بالحذف )، فعل جواب شرط و مجزوم، فاعله الاسم الظاهر « صاحب » - الدهر: مفعول به لفعل « يسلم »
- (۲) يسلم: مجرد ثلاثي، معطوف على جواب الشرط فيجوز فيه الجزم و الرفع، فاعله « صاحب » و الجملة فعلية
- (۳) عثرة: اسم الهيئة أو النوع من مصدر « عثر »، مضاف إليه للمضاف « كل »، و فعل « يجد » مع فاعله جملة فعلية و نعت للمنعوت « عثرة »
- (۴) يتبع: مضارع من باب « تفعل »، فعل شرط و مجزوم - جاهداً: حال مفردة و منصوب و عامل الحال فعل يتبع، و صاحبها الضمير المستتر في العامل

■ ■ عَيْن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۹-۳۰)

- ۱۹- عَيْن الخطأ عن اسم التفضيل:
- (۱) استحمد الله خلقه؛ فهو أحمد أن يثنى عليه!
- (۲) خصير اليوم من أمس درجات؛ فاليوم أخصر من أمس!
- (۳) حيد من قنع، أكثر من الذي لم يقنع؛ فالقانع أحمد من غير القانع!
- (۴) اختصر الخطيب كلامه عن الصلاة و أسهب في الصوم؛ فكلامه عن الصلاة كان أخصر!
- ۲۰- عَيْن الخطأ في النسبة:

- (۱) يد ← يدي (۲) ابن ← ابني
- (۳) مكاتب ← مكاتبي (۴) أخت ← أخوي

- ۲۱- عین ما یختلف عن الباقي في نوع الإعلال:
- (۱) ایجاد (۲) اتحاد (۳) اعتیاد (۴) إیحاء
- ۲۲- عین حرف الجر شبه زائد:
- (۱) ربّ حامل فقه إلى من هو أفقه منه! (۲) و إن من شيء إلا يسبح بحمده!
- (۳) إني ما رأيتك منذ يوم الجمعة! (۴) التائب من الذنب كمن لا ذنب له!
- ۲۳- « ما أطمع فيه أن أنجح في الامتحان؛ أفلا ترى أن لا ينجح إلا المجدّ! ». عین الصحيح عن الإعراب:
- (۱) أنجح / ينجح (۲) أنجح / ينجح (۳) أنجح / ينجح (۴) أنجح / ينجح
- ۲۴- عین نوع الجملة فيما أشير إليه بخطّ: ﴿ فلا يحزنك قولهم إنا نعلم ما يُسرون و ما يعلنون ﴾ ﴿ لا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعاً ﴾:
- (۱) معترضه / مفعوليّة (۲) حالیّة / حالیّة (۳) مستأنفة / ابتدائیّة (۴) مفسّرة / مقول القول
- ۲۵- عین الصحيح عن التوكيد:
- (۱) علقت اللوحتين الجميلتين كليهما على جدار الغرفة!
- (۲) إن معلمتنا نفسها قد زرعت في قلوبنا بذور الأمل!
- (۳) غيرت أماكن الكراسي كلّها في صالة الاستقبال!
- (۴) ذهب الحاجّ أجمع كلّهم لزيارة بيت الله الحرام!
- ۲۶- عین الخطأ في إعمال أفعال القلوب:
- (۱) علمتُ الخير صادقًا! (۲) الخير علمتُ صادقًا!
- (۳) الخير صادقًا علمتُ! (۴) علمتُ ما الخير صادقًا!
- ۲۷- عین ما فيه عطف البيان فقط:
- (۱) يا زميلة الأستاذة؛ ما أصعب عملك! (۲) زينب أستشهد حسين أخوها!
- (۳) ماذا عملت؟ أخيرًا أم شرًا! (۴) إن هذه أمتكم أمة واحدة!
- ۲۸- « ألا كل شيء ما خلا الله باطل ». عین الصحيح عن إعراب لفظ الجلالة « الله »:
- (۱) مجرور وجوبًا بحرف الجر (۲) مرفوع وجوبًا على الفاعلية
- (۳) منصوب وجوبًا على المفعولية (۴) منصوب أو مجرور جوارًا
- ۲۹- عین ما ليس باستغاثة:
- (۱) يا علماء؛ للعلم و الأدب!
- (۲) يا قراء القرآن؛ لكم ما عملتم!
- (۳) يا لذوي الدراسة و يا للخبراء؛ للدراسات الجامعيّة!
- (۴) يا للعلماء و يا للآدباء؛ من ضالة الدراسة في الجامعات!

## ۳۰- عین الخطأ:

(۱) إِحْطَیْ دَرُوسْکَ یَا طَالِبَة! (۲) حَفَظْ دَرُوسْکَ یَا طَالِبَة!

(۳) إِحْطَیْ یَا طَالِبَة دَرُوسْکَ! (۴) حَفَظْ یَا طَالِبَة دَرُوسْکَ!

۳۱- کدام مورد، درست است؟

«کسی که شک در حدث دارد و بنا بر احتیاط وضو می‌گیرد اگر بعداً یقین کند که محدث بوده است .....»  
(۱) وضویش صحیح است زیرا کامل الارکان است.

(۲) مطابق قول اصح، وضویش اعتباری ندارد زیرا بنا بر شک و تردید وضو گرفته است.

(۳) اگر وضو به قصد نماز باشد دوباره وضو بگیرد ولی اگر برای امر دیگری چون تلاوت است نیازی نیست.

(۴) اگر وضو برای نماز فرض است باید وضویش را تجدید کند اما اگر برای نماز سنت است تجدید وضو لازم نیست.

۳۲- مطابق رأی راجح مذهب شافعی، کدام رأی در ارتباط با مسح سر در وضو، درست است؟

(۱) مسح سر با غیر دست مثل چوب و پارچه خیس، صحیح است.

(۲) شستن سر به جای مسح، مُجْزِی نیست زیرا ماهیت مسح و غَسْل با هم فرق دارند.

(۳) مسح قسمتی از یک تار موی سر، کافی نیست؛ باید حداقل سه تار مو، مسح شود.

(۴) در مسح سر، باید قسمتی از جلوی سر (ناصیه) مسح شود چون سنت، مبین قرآن است.

۳۳- کدام مورد، نادرست است؟

(۱) به اتفاق مجتهدان، نماز جمعه به صورت جمعه، قابل قضا کردن نیست.

(۲) اگر وقت باقی‌مانده ظهر، کفاف خواندن نماز جمعه را ندهد، باید نماز ظهر خوانده شود.

(۳) در روز جمعه اگر نمازگزاران در بقای وقت ظهر شک داشته باشند حق ندارند نماز جمعه بخوانند.

(۴) اگر پس از خواندن یک رکعت از نماز جمعه، وقت نماز ظهر تمام شود، نمازگزاران، یک رکعت دیگر بخوانند.

۳۴- کدام مورد در خصوص پرداخت زکات به اصول و فروع، درست است؟

(۱) پرداخت زکات به آنان مطلقاً جایز است.

(۲) چنانچه فقیر یا مسکین باشند، پرداخت زکات به آنان جایز است.

(۳) چنانچه از جمله صنف «عاملین» باشند پرداخت زکات به آنان جایز است.

(۴) چنانچه از جمله اصناف «غارمین یا فی سبیل‌الله» باشند پرداخت زکات به آنان جایز است.

۳۵- حکم امساک بقیهٔ روز، به نسبت «کافری که در اثنای روز ماه مبارک رمضان مسلمان می‌شود» و «زنی که در اثنای

روز ماه مبارک رمضان عادت ماهیانه‌اش تمام می‌شود»، کدام است؟

(۱) امساک به نسبت هر دوی آنان واجب است.

(۲) امساک به نسبت هر دوی آنان مستحب است.

(۳) امساک بر تازه مسلمان واجب، ولی بر زن مستحب است.

(۴) امساک بر زن واجب، ولی بر تازه مسلمان مستحب است.

۳۶- کدام مورد دربارهٔ حکم سفر زوجه برای انجام مناسک حج، بدون اذن شوهرش، درست است؟

(۱) حج صحیح است ولی سفر حرام است. (۲) حج باطل است و سفر حرام است.

(۳) حج صحیح است و سفر جایز است. (۴) حج باطل است و سفر جایز است.



- ۳۷- مشتری برای دریافت ثمن مبیع، بایع را به شخص ثالثی حواله داده و متعاقباً بیع را به خیار عیب فسخ کرده است؛ کدام مورد در خصوص حواله، درست است؟
- ۱) اگر محتمل، ثمن را از محال علیه گرفته باشد، حواله، صحیح و الا باطل است.
  - ۲) اگر محال علیه، حواله را قبول کرده باشد، حواله، صحیح و الا باطل است.
  - ۳) بعد از فسخ بیع، حواله، باطل می شود.
  - ۴) با وجود فسخ بیع، حواله، صحیح است.
- ۳۸- در کدام مورد تصرف «سفیه»، نادرست است؟
- ۱) همسرش را طلاق بائن دهد، چون متضمن هزینه مهر و ازدواج مجدد است.
  - ۲) با زنش خلع کند، چون خلع یک تصرف مالی است و سفیه از تصرفات مالی منع شده است.
  - ۳) با اذن ولی خویش ازدواج کند، چون اذن ولی نیز نمی تواند موجب صحت تصرفات مالی سفیه شود.
  - ۴) کالایی را در مقابل ثمن فی الذمه بخرد، چون تصرف انجام داده و سفیه از تصرف مالی ممنوع است.
- ۳۹- شخصی مال خود را به رهن داده و قبل از اقباض آن را به عنوان صدق زوجیه تعیین کرده است. کدام مورد در خصوص رهن و صدق درست است؟
- ۱) هر دو صحیح است ولی حق مرتهن مقدم بر حق زوجیه است.
  - ۲) رهن، صحیح و صدق باطل است.
  - ۳) رهن، باطل و صدق صحیح است.
  - ۴) هر دو باطل است.
- ۴۰- اگر شرط شود مرهون در زمان حلول دین، مبیع برای مرتهن باشد، کدام حکم بر این شرط و عقد مترتب می شود؟
- ۱) شرط تأقیت، موجب فساد بیع می گردد ولی عقد رهن صحیح است.
  - ۲) هم رهن صحیح است و هم بیع، به دلیل المسلمون عند شروطهم.
  - ۳) شرط، لغو است و عقد رهن بر اساس استصحاب تنفیذ می شود.
  - ۴) عقد رهن به دلیل تأقیت، فاسد است و عقد بیع به دلیل تعلیق.
- ۴۱- اگر وکیل ادعا کند موکل فیه را به مالک برگردانده و مالک انکار کند و هیچ سندی بر اثبات گفته هیچ یک نباشد، کدام مورد مطابق رأی راجح مذهب شافعی، درست است؟
- ۱) مطلقاً قول مالک پذیرفته می شود زیرا اصل، عدم رد است و رد ثابت نشده است.
  - ۲) مطلقاً قول وکیل پذیرفته می شود زیرا وکیل، امین است و خیانت او ثابت نشده است.
  - ۳) اگر وکالت تبرعی باشد قول، قول وکیل است و اگر در مقابل اجرت باشد قول مالک مقدم است.
  - ۴) در صورت بقای عقد وکالت، قول وکیل پذیرفته می شود، در غیر این صورت، قول مالک مقدم است.
- ۴۲- اگر عین مستعاره در دست مستعیر تلف شود، مستعیر، ضامن چیست؟
- ۱) قیمت یوم التلف است زیرا اصل، رد عین است و با تلف، رد عین، متعذر شده است.
  - ۲) قیمت یوم القبض است زیرا عین، با قبض، در اختیار او قرار گرفته است.
  - ۳) قیمت یوم العقد است زیرا روز عقد، سبب ضمان بر او لازم آمده است.
  - ۴) مستعیر، ضامن چیزی نیست زیرا ید مستعیر، امانی است.
- ۴۳- کدام دین لازم است ولی هنوز مستقر نشده است؟
- ۱) مال جعله قبل از اتمام عمل
  - ۲) ثمن در مدت زمان خیار معامله
  - ۳) ثمن پس از قبض مبیع و اتمام مدت زمان خیار
  - ۴) ثمن پس از سپری شدن مدت زمان خیار معامله

- ۴۴- اقرار به مجهول، چه حکمی دارد؟
- ۱) باطل است زیرا در صورت جهل، هیچ مبنایی واقعی و عملی برای کشف واقع وجود ندارد.
  - ۲) باطل است زیرا اقرار، اخبار از امر سابق است و با جهل، ثابت نمی‌شود.
  - ۳) صحیح است و در تفسیر آن به مقر، رجوع می‌شود.
  - ۴) صحیح است و در تفسیر آن به عرف، رجوع می‌شود.
- ۴۵- در مسأله «مات عن زوجة و بنت ابن و أخت لأب و جدة لأم» کمترین سهم به کدام یک از ورثه تعلق می‌گیرد؟
- |            |         |            |            |
|------------|---------|------------|------------|
| ۱) جدة لأم | ۲) زوجة | ۳) بنت ابن | ۴) أخت لأب |
|------------|---------|------------|------------|
- ۴۶- در کدام مورد یکی از وراث، حجب می‌شود؟
- ۱) ماتت عن زوج و جدة لأم و جدة لأب و بنت ابن
  - ۲) ماتت عن زوجة و بنت ابن و أخت شقیقة و اخ لأب
  - ۳) ماتت عن بنتین و بنت ابن و ابن ابن و جدة لأم
  - ۴) ماتت عن اربع اخوات لأب و ثلاث جدات و خمسة اخوة لأم و اربع اخوات لأم
- ۴۷- کدام مورد در خصوص «وقف بر ذمی» و «وقف بر میت»، درست است؟
- ۱) هر دو باطل است.
  - ۲) هر دو صحیح است.
  - ۳) وقف بر ذمی صحیح و وقف بر میت باطل است.
  - ۴) وقف بر ذمی باطل و وقف بر میت صحیح است.
- ۴۸- زوج به زوجه‌اش می‌گوید: اگر به فلان بچه شیر داده باشی مطلقه هستی، زن نیز چهار زن به‌عنوان شاهد بر اثبات رضاع، اقامه می‌کند. مطابق رأی راجح مذهب شافعی کدام مورد، درست است؟
- ۱) رضاع، ثابت می‌شود و طلاق نیز به تبع آن ثابت می‌گردد.
  - ۲) رضاع، ثابت می‌شود ولی طلاق خیر، زیرا طلاق با شهادت زنان ثابت نمی‌شود.
  - ۳) رضاع، ثابت می‌شود ولی طلاق ثابت نمی‌شود، زیرا طلاق معلق، واقع نمی‌شود.
  - ۴) نه رضاع ثابت می‌شود و نه طلاق زیرا اثبات یکی منوط به احراز دیگری شده است.
- ۴۹- هرگاه زن به شوهرش بگوید: «إن طَلَّقْتَنِي فَأَنْتَ بَرٌّ مِنْ صَدَاقِي» و شوهر نیز زن را طلاق دهد، حکم طلاق و صداق کدام است؟
- ۱) طلاق رجعی واقع می‌شود و ذمه شوهر از پرداخت صداق بری می‌شود.
  - ۲) طلاق رجعی واقع می‌شود و ذمه شوهر از صداق بری نمی‌گردد.
  - ۳) طلاق بائن واقع می‌شود ولی ذمه شوهر از صداق بری نمی‌گردد.
  - ۴) طلاق بائن واقع می‌شود و ذمه شوهر از صداق بری می‌شود.
- ۵۰- اگر زوج خطاب به همسرانش بگوید: «أحداکما طالق» و هیچ یک را بعینه قصد نکند، در این صورت کدام مورد، درست است؟
- ۱) طلاق هیچ کدام واقع نمی‌شود چون اصل، عدم وقوع طلاق است.
  - ۲) احتیاطاً طلاق هر دو واقع می‌شود ولی چون الاصل فی الایضاع التحريم.
  - ۳) یکی از آن‌ها به‌صورت مبهم مطلقه می‌شود و باید خودش او را معین سازد.
  - ۴) طلاق یکی از آن‌ها واقع می‌شود و باید به قید قرعه یکی انتخاب شود چون القرعه لكل مشکل.

- ۵۱- زوج در قبال حصه زوجه از ملک مشاعی مخالعه کرده است، کدام گزینه درباره خلع و حق شفعه، درست است؟
- (۱) خلع صحیح است و شفیع می‌تواند با پرداخت مهر المثل اخذ به شفعه کند.
  - (۲) خلع صحیح است و شفیع می‌تواند با پرداخت قیمت، اخذ به شفعه کند.
  - (۳) خلع باطل است و تبعاً شفیع حق شفعه ندارد.
  - (۴) خلع صحیح است و شفیع حق شفعه ندارد.
- ۵۲- کدام مورد درباره حکم فسخ نکاح برای زوجه به سبب اعسار شوهر در پرداخت مهر، درست است؟
- (۱) اگر اعسار شوهر پس از دخول باشد، حق فسخ برای زن ثابت است.
  - (۲) اگر اعسار شوهر قبل از دخول باشد، حق فسخ برای زن ثابت است.
  - (۳) اعسار شوهر در پرداخت مهر، مطلقاً موجب ثبوت حق فسخ نکاح برای زوجه است.
  - (۴) اعسار شوهر در پرداخت مهر، مطلقاً موجب ثبوت حق فسخ نکاح برای زوجه نیست.
- ۵۳- قاتل بلافاصله پس از ارتکاب قتل ادعا می‌کند که به سن بلوغ نرسیده است و از حیث ظاهری، امکان الحاق او به بالغین و نابالغین، هر دو وجود دارد در این صورت بنابر رأی اصح کدام مورد، درست است؟
- (۱) بدون یمین تصدیق می‌شود، زیرا اصل عدم بلوغ است.
  - (۲) تصدیق نمی‌شود، زیرا او در مظان اتهام و دفع ضرر از خود است.
  - (۳) با یمین تصدیق می‌شود، زیرا عمد صبی، عمد است و سوگند صبی معتبر است.
  - (۴) تصدیق نمی‌شود، زیرا قبول عدم بلوغ او به معنی قبول بی‌اعتباری سخن او نیز هست.
- ۵۴- کفاره قتل در کدام نوع قتل و در مورد چه مقتولی واجب است؟
- (۱) در قتل عمد و در مورد افراد معصوم الدم.
  - (۲) در مورد همه انواع قتل‌ها و همه افراد مقتول.
  - (۳) در هر نوع قتلی و در مورد مقتولی که معصوم الدم باشد.
  - (۴) در قتل عمد و شبه عمد و همه افراد چه معصوم الدم و چه غیر معصوم الدم.
- ۵۵- فردی با اسلحه فرد عاقل بالغی را تعقیب می‌کند و او در حال فرار، از ترس، خود را از ارتفاع به پایین می‌اندازد و در اثر سقوط، فوت می‌کند؛ کدام مورد در خصوص مسئولیت تعقیب‌کننده، درست است؟
- (۱) قصاص می‌شود زیرا او عامل اصلی سقوط و فوت بوده و سبب، اقوی از مباشر است.
  - (۲) نصف دیه را می‌پردازد زیرا این حالت، از حالات اجتماع سبب و مباشر است.
  - (۳) مسئولیتی ندارد زیرا فرد، خودش را از ارتفاع به پایین انداخته است.
  - (۴) باید دیه مغلظه بپردازد؛ قصاص به دلیل شبهه ساقط است.
- ۵۶- اگر یکی از زوجین مال دیگری را سرقت کند وجه راجح در فقه شافعی درباره حکم مسأله، کدام است؟
- (۱) حد سرقت در صورت وجود سایر شرایط، اجرا می‌شود.
  - (۲) به دلیل شبهه اختلاط اموال، حد، مطلقاً اجرا نمی‌شود.
  - (۳) اگر سارق، زوجه باشد به دلیل شبهه نفقه، حد، اجرا نمی‌شود.
  - (۴) حد سرقت اجرا می‌شود حتی اگر میزان مال به حد نصاب نرسد به دلیل خیانت در امانت.
- ۵۷- اگر مقذوف بعد از اثبات قذف و قبل از اقامه حد، مرتکب زنا شود، کدام مورد در خصوص قاذف، درست است؟
- (۱) حد قذف اجرا نمی‌شود چون در قذف، اجماعاً حق الله غالب است.
  - (۲) اگر قذف با بینه اثبات شده باشد حد قذف اجرا می‌شود.
  - (۳) اگر قذف با اقرار ثابت شده باشد حد قذف اجرا می‌شود.
  - (۴) مطلقاً حد قذف اجرا نمی‌شود.

- ۵۸- فردی ادعایی را علیه دیگری مطرح می‌کند و برای اثبات ادعایش بینه‌ای ندارد و مدعی علیه انکار می‌کند. قاضی، قبل از درخواست مدعی، مدعی علیه را سوگند می‌دهد. کدام مورد در خصوص حکم این سوگند، درست است؟
- ۱) اعتباری ندارد زیرا سوگند، حق مدعی است و مدعی درخواست آن را نداده است.
  - ۲) اعتباری ندارد و حق مدعی علیه در سوگند خوردن ساقط شده است.
  - ۳) اعتباری ندارد ولی حق مدعی در سوگند دادن، ساقط می‌شود.
  - ۴) معتبر است زیرا سوگند به دستور قاضی بوده است.
- ۵۹- کدام مورد از حیث تعداد شهود یا جنسیت آن‌ها با سایر موارد فرق دارد؟
- |          |        |         |        |
|----------|--------|---------|--------|
| ۱) اقرار | ۲) نسب | ۳) وصیت | ۴) رهن |
|----------|--------|---------|--------|
- ۶۰- کدام مورد در خصوص «دفع صائل»، درست است؟
- ۱) دفاع در مقابل صائل در هر صورتی واجب است.
  - ۲) چنانچه صائل مسلمان باشد دفاع از جان خود واجب نیست، ولی دفاع از جان و ناموس خانواده واجب است.
  - ۳) چنانچه صائل مسلمان باشد دفاع از جان خود واجب است، ولی دفاع از جان و ناموس خانواده واجب نیست.
  - ۴) دفاع در مقابل صائل، در هر صورتی مستحب است مگر اینکه صائل مسلمان باشد که در این حالت دفاع، مکروه است.
- ۶۱- کدام مورد در خصوص علم و عقیده، درست است؟
- ۱) علم و عقیده مترادف هستند.
  - ۲) علم، تصدیق جازم اما عقیده، تصدیق غیر جازم است.
  - ۳) علم، تصدیق جازم غیرقابل تغییر اما عقیده، تصدیق جازم قابل تغییر است.
  - ۴) علم، معرفت استدلالی است ولی عقیده، ممکن است استدلالی یا غیراستدلالی باشد.
- ۶۲- کدام مورد در خصوص تعلق خطاب به معدوم، درست است؟
- ۱) معتزله تعلق خطاب معنوی به معدوم را صحیح می‌دانند ولی اشاعره صحیح نمی‌دانند.
  - ۲) اشاعره تعلق خطاب معنوی به معدوم را صحیح می‌دانند ولی معتزله صحیح نمی‌دانند.
  - ۳) اشاعره تعلق خطاب تنجیزی به معدوم را صحیح می‌دانند ولی معتزله صحیح نمی‌دانند.
  - ۴) معتزله تعلق خطاب معنوی و تنجیزی به معدوم را صحیح می‌دانند ولی اشاعره تنها تعلق خطاب تنجیزی را صحیح می‌دانند.
- ۶۳- کدام مورد مبنای قائلان به جواز تکلیف ملجأ است؟
- |                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱) جواز تکلیف بما لایطاق             | ۲) جواز مؤاخذه به دلیل ایثار نفس     |
| ۳) جواز مؤاخذه مکلف با استناد به نیت | ۴) جواز اختبار مکلف در أخذ به مقدمات |
- ۶۴- کدام مورد در خصوص تبدیل شدن فرض کفائی به فرض عین، درست است؟
- ۱) همه فروض کفائی پس از شروع، به فرض عین تبدیل می‌شوند.
  - ۲) تنها فرض کفائی حج، پس از شروع، به فرض عین تبدیل می‌شود.
  - ۳) همه فروض کفائی پس از نیت به انجام آن‌ها، به فرض عین تبدیل می‌شوند.
  - ۴) فروض کفائی جهاد، نماز میت، حج و عمره پس از شروع، به فرض عین تبدیل می‌شوند.

- ۶۵- کدام مورد رأی مختار اشاعره است؟  
«اباحه، حکمی شرعی .....»  
(۱) است زیرا موارد مجهول الحکمی وجود دارد که مقتضی بیان رفع الحرج از سوی شارع است.  
(۲) است زیرا اباحه، تخییر بین فعل و ترک است و ثبوت آن متوقف بر حکم شرع است.  
(۳) نیست زیرا اباحه، انتفای حرج است که قبل از شرع هم وجود داشته است.  
(۴) نیست زیرا نقش شرع فقط امضای احکام عقلی قبلی بوده است.
- ۶۶- از نظر اشاعره، اصولاً نیابت در عبادات بدنی چگونه است؟  
(۱) عقلاً جایز است، زیرا منافاتی با عقل ندارد.  
(۲) عقلاً جایز نیست، زیرا با نیابت، ابتلا و امتحان به‌دست نمی‌آید.  
(۳) شرعاً در تمامی زمینه‌ها جایز است به شرطی که با لفظ وصیت باشد.  
(۴) شرعاً در همه موارد باطل است چون نص شرعی مبنی بر بطلان، وجود دارد.
- ۶۷- کدام مورد در خصوص عموم حکم مقرون به علت، درست است؟  
(۱) حکم معلق به علت، لفظاً و معنأ مفید عموم است.  
(۲) حکم معلق به علت، لفظاً و معنأ مفید عموم نیست.  
(۳) حکم معلق به علت، لفظاً مفید عموم نیست ولی معنأ مفید عموم است.  
(۴) حکم معلق به علت، لفظاً مفید عموم است ولی معنأ مفید عموم نیست.
- ۶۸- کدام مورد در خصوص «عموم مقتضی» و «معطوف بر عام»، درست است؟  
(۱) هر دو مفید عموم هستند.  
(۲) هیچ‌یک از آن دو مفید عموم نیستند.  
(۳) عموم مقتضی، مفید عموم است ولی معطوف بر عام خیر.  
(۴) معطوف بر عام، مفید عموم است ولی عموم مقتضی خیر.
- ۶۹- مبنای عدم تناول مطلق امر بر مکروه، کدام مورد است؟  
«تناول مطلق امر بر مکروه، .....»  
(۱) موجب عسر و حرج است که در شرع ممنوع است.  
(۲) موجب تضاد نصوص می‌گردد لذا شامل آن نمی‌شود.  
(۳) مستلزم تناقض است و جمع آن محال است.  
(۴) موجب تعارض اخبار و احادیث ثابت می‌گردد.
- ۷۰- از نظر جمهور علمای شافعیه، کدام مورد در خصوص دلالت نهی بر فساد منهیّ عنه، درست است؟  
(۱) نهی، مطلقاً بر فساد منهیّ عنه دلالت دارد.  
(۲) نهی در عبادات و معاملات مطلقاً دلالتی بر فساد منهیّ عنه ندارد.  
(۳) نهی تحریم مطلقاً دال بر فساد منهیّ عنه است و نهی تنزیه چنین دلالتی ندارد.  
(۴) نهی در غیر معاملات مطلقاً و در معاملات اگر راجع به ارکان یا لوازم آن باشد دال بر فساد منهیّ عنه است.
- ۷۱- در مطلق و مقید اگر حکم، واحد و سبب، مختلف باشد، کدام مورد از نظر امام شافعی درست است؟  
(۱) مطلق بر مقید حمل نمی‌شود.  
(۲) نظر امام شافعی توقف است.  
(۳) مطلق، لفظاً بر مقید حمل می‌شود.  
(۴) مطلق از طریق قیاس بر مقید حمل می‌شود.
- ۷۲- کدام مورد در تعریف تأویل جامع‌تر است؟  
(۱) حمل العام علی بعض افراد  
(۲) حمل المشترك علی أحد معانیه  
(۳) حمل الظاهر علی أحد معانیه المرجوح بدلیل  
(۴) صرف الکلام عن الحقیقه و حمله علی المجاز

۷۳- مطابق رأی راجح، کدام مورد در خصوص وحدت متکلم در مستثنی و مستثنی‌منه، درست است؟

- (۱) متکلم در مستثنی و مستثنی‌منه باید واحد باشد.
- (۲) تعدد متکلم در مستثنی و مستثنی‌منه بلا اشکال است.
- (۳) واحد بودن متکلم در مستثنی و مستثنی‌منه در امر و مأمور بلا اشکال است.
- (۴) تعدد متکلم در مستثنی و مستثنی‌منه در مورد خدا و رسول خدا (ص) واجب است.

۷۴- بنا به رأی جمهور، کدام مورد درست است؟

آیه شریفه «حرمت علیکم امهاتکم»، مجمل.....

- (۱) است زیرا برای صحت خود، نیازمند تقدیر یک محذوف است.
- (۲) نیست زیرا بنا بر عرف، کلمه «نکاح» باید در تقدیر گرفته شود.
- (۳) نیست، زیرا لفظ «امهات» با اضافه شدن به ضمیر «کم»، معرفه شده است.
- (۴) است زیرا تحریم بر اعیان معلق شده در حالی که متعلق احکام، افعال هستند.

۷۵- کدام نص شرعی، مجمل نیست؟

- (۱) أو یعفوا الذی بیده عقدة التکاح
- (۲) لا یمنع احدکم جاره أن یضع خشبة فی جداره
- (۳) و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم
- (۴) رفع عن امتی الخطأ و النسیان و ما استکرها علیه

۷۶- کدام کلمه مشخص شده، مفید حصر نیست؟

- (۱) واعلموا إنما الحیوة الدنيا لعب و لهو و زينة
- (۲) لا عالم الا زید
- (۳) إنما الهکم الله
- (۴) فانه هو الولی

۷۷- مفهوم مخالف کدام یک به دلیل تبادر به ذهن، در حکم منطوق دانسته شده است؟

- (۱) غایت
- (۲) نفی و استثناء
- (۳) حصر با ضمیر فصل
- (۴) تقدیم معمول بر عامل

۷۸- مطابق رأی اصح، کدام مورد در خصوص تعداد راویان اخبار متواتر، درست است؟

- (۱) حداقل چهل نفرند ولی هفتاد نفر حتماً تواتر است.
- (۲) حداقل دوازده نفرند ولی چهل نفر حتماً تواتر است.
- (۳) چهار نفر هم می‌توانند متواتر باشند، به دلیل اثبات اشد حدود (حد زنا).
- (۴) حداقل پنج نفرند، گرچه این تعداد همواره نمی‌تواند دلیل بر وجود تواتر باشد.

۷۹- در صورت تعارض قول و فعل پیامبر(ص) و عدم علم به متأخر، کدام مورد مقدم است؟

- (۱) همواره قول، مقدم است به دلیل اصالت آن در ابلاغ احکام.
- (۲) همواره، فعل مقدم است به دلیل وضوح فعل در بیان احکام.
- (۳) نسبت به پیامبر(ص) توقف و در مورد امت، قول مقدم است.
- (۴) نسبت به پیامبر(ص) قول و نسبت به امت، فعل، مقدم است.

۸۰- اگر شیخ حدیث، با قاطعیت شاگرد خود را در نقل حدیث تکذیب کند و بگوید این حدیث را برای او نقل نکرده‌ام،

کدام یک از آثار مترتب می‌گردد؟

- (۱) ضبط و اعتبار شیخ و شاگرد هر دو ساقط می‌شود.
- (۲) به دلیل احتمال کذب، ضبط و اعتبار شاگرد ساقط می‌گردد.
- (۳) اختلاف در نقل حدیث تنها سبب سلب اعتبار همان حدیث می‌شود.
- (۴) در اعتبار حدیث نقل شده مؤثر نیست و موجب سقوط آن نمی‌شود.

- ۸۱- کدام مورد در خصوص اثبات «جرح و تعدیل» در «راوی» و «شاهد»، درست است؟  
«جرح و تعدیل .....»
- (۱) راوی با دو نفر ثابت می‌شود ولی شاهد با یک نفر  
(۲) راوی با یک نفر ثابت می‌شود ولی شاهد با دو نفر  
(۳) راوی و شاهد با یک نفر ثابت می‌شود.  
(۴) راوی و شاهد با دو نفر ثابت می‌شود.
- ۸۲- تقسیم قیاس به «قطعی» و «ظنی»، بر کدام مبنا است؟
- (۱) القیاس من حیث هو  
(۲) القیاس من حیث الحكم الثابت فی الفرع  
(۳) القیاس من حیث وجود علة الفرع فی الأصل  
(۴) القیاس من حیث ثبوت مثل أو نقيض حکم الاصل فی الفرع
- ۸۳- در خصوص عمل به قیاس، کدام یک مورد تأیید اصولیین شافعیه است؟
- (۱) قیاس در همه ابواب فقه جایز است.  
(۲) قیاس در غیر ابواب حدود و کفارات جایز است.  
(۳) صرفاً قیاس منصوص العله در همه ابواب فقه جایز است.  
(۴) قیاس جلی و قیاس مساوی در همه ابواب فقه جایز و قیاس أدنی در همه ابواب فقه ممنوع است.
- ۸۴- در بحث مسالک العلة کدام مورد از اقسام ایماء محسوب نمی‌شود؟
- (۱) اقتران الوصف بالحکم  
(۲) ذکر الوصف فی الحکم  
(۳) ترتیب الحکم علی الوصف  
(۴) تعیین العلة بإبداء مناسبتها للحکم
- ۸۵- کدام مورد در خصوص تحقیق المناط، درست است؟
- (۱) مقارنة الحکم بالوصف المناسب  
(۲) اثبات العلة فی آحاد صورها  
(۳) تعیین علة الحکم بنص او اجماع  
(۴) دوران الحکم حول العلة وجوداً و عدماً
- ۸۶- کدام مورد در خصوص حجیت اجماع، درست است؟
- (۱) اجماع، حجتی قطعی است، گرچه به صورت آحاد نقل شده باشد.  
(۲) اجماع تنها زمانی حجت قطعی است که به صورت متواتر نقل شده باشد.  
(۳) اجماع، در هر حال حجتی ظنی است، زیرا منشأ آن ظنی (حاصل اجتهاد مجتهد) است.  
(۴) اجماع اگر به صورت متواتر نقل شود، حجتی قطعی و اگر به صورت آحاد نقل شود، حجتی ظنی است.
- ۸۷- کدام مورد بیانگر وظیفه مجتهد در صورت تکرار واقعه است؟
- (۱) مطلقاً نمی‌تواند به اجتهاد سابق اعتماد نماید و باید دوباره اجتهاد کند.  
(۲) مطلقاً می‌تواند با اعتماد به اجتهاد قبل فتوا دهد و لزومی به یادآوری دلیل حکم سابق وجود ندارد.  
(۳) در صورت یادآوری دلیل فتوا، تجدید اجتهاد لازم نیست و در غیر آن صورت باید دوباره اجتهاد نماید.  
(۴) اجتهاد مجدد لازم نیست و با اعتماد به اجتهاد سابق فتوا می‌دهد مگر آنکه دلیلی تازه یافته باشد.
- ۸۸- در خصوص «جواز اجتهاد انبیاء» علیهم السلام کدام مورد منطبق بر نظر جمهور اصولیین است؟
- (۱) مطلقاً جایز نیست.  
(۲) مطلقاً جایز است.  
(۳) در امور دینی جایز و در غیر آن ممنوع است.  
(۴) در امور دنیوی جایز و در غیر آن ممنوع است.
- ۸۹- کدام شرط برای رسیدن به رتبه اجتهاد لازم است؟
- (۱) علم به فروع فقهی  
(۲) علم به موارد اجماع  
(۳) علم به دلیل عقلی  
(۴) برخورداری از عدالت

۹۰- کدام مورد، بیانگر دلیل منکران ترادف در اسماء شرعی است؟

- (۱) ترادف در اسماء شرعی، موجب ابهام در نصوص است که جایز نیست.
- (۲) ترادف به‌دلیل نیاز و ضرورت ادبی به‌وجود آمده که در شرع منتفی است.
- (۳) پذیرش ترادف با توجه به کثرت مترادفات، سبب اجمال نصوص شرعی می‌شود.
- (۴) وضع حقیقی لغت، دال بر عدم ترادف است در حالی که زبان شارع، زبان حقیقت است.